

لطفاً در کار مردم دخالت نکنید!



صوفیا نصراللهی

منتقد سینما

۱ گهگداری کنار معرفی و حرف زدن از فیلم، کتاب، موسیقی و اتفاقات روز در این ستون، بدم نمی آید تقبی بزنم به آدم‌های جالب و نکته‌های روزمره کوچکی که در شرایط عادی از کنارشان بی تفاوت عبور می کنیم اما کمی که بگذرد، وقتی دوباره به آن‌ها نگاه بباندازیم، می بینیم که خیلی هم ساده و عادی نیستند و درواقع اگر عمیق تر فکر کنیم ممکن است راه نجات‌مان باشد. یک نمونه اش را در سفر هفته‌ی گذشته به شیراز تجربه کردم. خب در شش، هفت سال اخیر زیاد شیراز رفته‌ام. تنها یا با دوستانم و آنجا هم دوستانی دارم. همیشه روحیه‌ی اهمیت دادن به شهر را در شیرازی‌ها تحسین می کردم. هیچ شهر دیگری را نرفته‌ام که به این اندازه خود اهالی اش به ظاهر شهر اهمیت بدهند و برایش تلاش کنند. شیرازی‌ها نمونه‌ی فوق العاده‌ای هستند برای اینکه اگر کارها را به خود مردم بسپارید، نتیجه‌ی بهتری خواهیم گرفت. آن‌ها نسبت به تصویر شهرشان بی تفاوت نیستند. طبقه‌ی بالاتر از متوسط فرهنگی و مالی از پروژه‌های مختلف حمایت می کنند. مثال بزنم. نوازنده‌ی کمانچه‌ی قدر شیرازی، عباس سرافراز، در سال‌های اخیر جدا از پروژه‌های شخصی اش کنار گروه‌های جمع‌وجور، مستقل و جوان قرار گرفته و درواقع پشتیبانی کرده تا اجراهای آن‌ها بهتر شنیده شود. حالا هم در شیراز آموزشگاه موسیقی زده در یک عمارت قدیمی. عمارت از کجا آمده؟ طبعاً که موزسین، پول اجاره‌ی عمارت قدیمی ندارد. یکی دیگر از اهالی شهر ساختمان را داشته و به جای اینکه خراب کند (چون شاید باورناتر نشود بعد از ماجرای اعتراض به تخریب بافت که دو سال پیش در همین روزنامه در باره اش نوشتم همچنان در شیراز به پنهان‌های مختلف خانه‌هایی که قاعدتاً باید ثبت شوند به جای حفظ، تخریب می شوند!) آن را در اختیار هنرمندان شهرش قرار داده تا روح موسیقی در شهر پراکنده شود. که نسل آینده موسیقی خوب را بشنوند و یاد بگیرد. تنها گری این وسط که در کار خلل ایجاد می کند، چیست؟ اه به راه مجوز گرفتن برای هر کاری. یا نظارت‌های بیپوده‌ای که نه تنها دره‌ای به پیشرفت فرهنگ و هنر این کشور کمک نمی کند که آدم‌ها را خسته، ناامید و در مسیر مهاجرت قرار می دهد. یعنی اگر دست مردم را باز بگذارند شمار سرمایه‌گذاری برای تولید به شیوه‌ی فردی به حقیقت می پیوندد اما پای نهاده‌ها که وسط می آید، سرمایه‌ها عطای تولید فکر یا خدمات یا جنس را به لقای می بخشند و در می روند. از همین جا می خواهم برسم به شهر دیگری در جنوب که از دیروز خبرش بر سر زبان‌ها افتاده: بوشهر.

۲ این ستون که منتشر می شود یک بار لغو مجوز فستیوال کوچی بوشهری بوده و بعد خبر پیگیری‌ها، واکنش‌ها و در نهایت اینکه فستیوال نه در فضای عمومی که در یک تالار مجوز گرفته و قس علی‌هذا! افیق وکیلیم در یادکستی اشاره کرده بود که فضای عمومی مثل استادیوم یا اجرای موسیقی باید در اختیار مردم باشد. نباید فضای عمومی را خالی کرد. این را در یادکست فوتبالی گفته بود و اتفاقاً اشاره کرد که اگر موسیقی هم بلد بودم کنار خیابان می نشستم و ساز می زدم. این از همان جاهایی است که مردم داشتند کارشان را می کردند. فستیوال کوچی به بوشهر رونق داد. مردم بلیت می خریدند و از شهرهای مختلف ایران می رفتند که در فستیوال موسیقی شرکت کنند. هم توریست جذب می شد، هم موسیقی جنوب ترویج داده می شد. گیرم که دو شب به بافت قدیمی بوشهر شلوغ می شد. گیرم چهار نفر هم حرکات شاد انجام می دادند. در شرایطی که همه با بحران عصبی رویه‌رو هستند، باید از اینکه انرژی جمعی این طوری خالی شود، استقبال هم کنیم. حالا احتمالاً جمعیت در فستیوال کوچی موج می زند، حتی اگر خارج از تالار موسیقی باشد. مگر در خیابان استقلال استانبول که گله‌بگله نشستند، ساز می زنند و مردم می ایستند و گوش می دهند، مجوزی وجود دارد؟ جاذبه‌ی توریستی هم شده. بیابید تصمیم‌های مدیریتی سفت و سخت را بگذارید رویه‌روی اتفاقاتی که از سمت مردم در شهرها شکل گرفته و آمار بگیریم، بینیم کدام موفق تر بوده است. در سال‌های اخیر، این موقع برای فستیوال موسیقی رامین صدیقی می رفته استانبول. فستیوالی که زمانی همین جا در فرهنگسرای نیاوران برگزار می شد. معنادار نیست؟! یک کارگروه پژوهشی جامعه‌شناسی و روانشناسی تشکیل بدهید و از سنگ اندازی جلوی کاری که مردم می خواهند برای شهرشان انجام بدهند، فقط باید کنارشان ایستاد.

تکس: سایت فستیوال کوچی

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



کوچه باز شد؟

حتی با مداخله اعضای دولت برای برگزاری فستیوالی در بوشهر چگونه این رویداد هنوز مبهم است



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

از جمله نخستین فراهم آورندگان هیزم آتش افروخته شده در «کوچه»، آن طور که شواهد نشان می دهد، شخصی بود که در خبرها با عنوان نویسنده روزنامه نگار بوشهری معرفی شده است. شخصی تندرو که نامش با انتشار مطلبی تحت عنوان «در خواست سنگ زدن به هنرمندان در ایام برگزاری فستیوال کوچی» وایرال شد. او در این مطلب، فستیوال کوچی را در آستانه برگزاری چهارمین دوره آن، رویدادی مبتذل و موجب ترویج هرگز و بی بندوباری خوانده بود. آن چه در ادامه رخ داد، تلاش دلپایان برای جلوگیری از برگزاری فستیوال کوچی در بوشهر» نام گرفت. ذیل این خبر عنوان شد که گروهی در یکی از مساجد شهر بوشهر اقدام به جمع‌آوری امضاء از نمازگزاران و تهیه طوماری علیه برگزارکنندگان فستیوال کوچی کرده‌اند. پس از آن بود که روز جمعه، ۲۹ فروردین ماه حجت الاسلام حسن مصلح در خطبه‌های نماز جمعه در برازجان، فستیوال کوچی را با این کلمات توصیف کرد: «پنهانی برای ترویج اختلاط، رقص، کشف حجاب و شکستن خطوط قرمز شرع و عرف که انسان را یاد عملکرد بنیاد فرح پهلوی می اندازد.» در کنار این‌ها، طبق شنیده‌ها برخی مدیران کلی که از جمله منتصبان دولت پیشین بودند نیز با این روند همراه شده و مخالفت خود را با برگزاری فستیوال کوچی اعلام کردند. این گونه شد که آتش میان موافقان و مخالفان برگزار چهارمین دوره فستیوال کوچی لحظه به لحظه شعله‌ور شد تا جایی که هرم آن به تهران نیز رسید و از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون هنری اوتاسخنگوی دولت و دستیار اجتماعی رئیس جمهور، ناگزیر از واکنش نشان دادن به آن شدند.

باز هم مردم در کوچه‌ها ترانه می خوانند؟

«غم از دل به در کردن مُدل‌ها دارد، بندری ش ایطورین»، مدل غم از دل به در کردن برگزارکنندگان فستیوال کوچی که نخستین دوره آن در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار شد، در پناه هم نشستند. در پناه هم نشستند گروه‌هایی از گوشه گوشه ایران: خوزستان، گیلان، لرستان، کردستان و... تا نه تنها سبب ساز آشنایی و پیوند دوباره مردم با داستان موسیقی نواحی شوند که تماشاگران شان را دلخوش به خانه برگردانند. باز خود نخستین دوره این فستیوال که طی هفت روز به دبیری اریس عیدی پور در کافه حاج رئیس بوشهر برگزار شد، کم نظیر بود؛ شبکه‌های اجتماعی به سرعت پر از ویدئوها و عکس‌های کنسرت‌های ساده، خدومانی و مهیج این فستیوال شد و نظرات بسیاری را جلب کرد تا به پنهان آن، نام بوشهر بیش از پیش جست‌وجو شود. زمان و مکان برگزاری دور دوم فستیوال کوچی: اسفندماه ۱۳۹۷ باز هم در کافه حاج رئیس بود، اما مفصل تر و با حضور تماشاگران بیشتر. برگزارکنندگان فستیوال کوچی، خود را برای برگزاری دوره سوم در اسفندماه ۱۳۹۸ آماده می کردند که با شیوع ویروس کرونا، همه برنامه‌ها لغو شد. این رویداد که تا اسفندماه ۱۴۰۱ رنگ برگزاری به خود ندید، سرانجام اسفندماه سال بعد در عمارت حاج رئیس، سومین دوره خود را پشت سر گذاشت. فستیوال کوچی حالا علاوه بر تأثیرات موسیقایی اش در بُعد گردشگری نیز حائز اهمیت شده بود و هر ساله در تاریخی مشخص گردشگران را به بوشهر می کشاند که علاوه بر کوچه گردی و شنیدن موسیقی، لذت چشیدن غذاهای محلی و گپ و گفت با بومیان منطقه را نیز درک می کردند و این همان چیزی بود که «کوچه» را به یک فستیوال تمام عیار تبدیل کرده بود. تأثیر برگزاری این رویداد بر رونق گردشگری در دوره سوم تا آن جا بالا گرفت که در پلتفرم کارزار، کارزاری تحت عنوان «مو می خوام برم بوشهر» با هدف رسیدگی به اوضاع نابسامان پروازهای این شهر راه اندازی شد. کارزاری که در آن از وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان هواپیمایی کشور خواسته شده

بود با حداقل دوبرابر کردن پروازهای بوشهر، قدمی در راه توسعه گردشگری و اقتصاد آن بردارند. پرونده دور سوم اما با لغو شدن اختتامیه اش بی هیچ دلیل مشخصی، بدون آن که برگ آخر آن ورق زده شود بسته شد. این اما موجب دست از کار شستن برگزارکنندگان فستیوال کوچی نشد. فستیوالی که در سال ۱۴۰۲ در «فهرست رویدادهای گردشگری جمهوری اسلامی ایران» در سطح استانی» به ثبت رسید قرار بود این بار از پنجم تا دهم اردیبهشت‌ماه در بوشهر برگزار شود که با عناوینی چون «مبتذل» و «اتهاماتی چون «مروج هرگزگی و بی بندوباری» مورد هجوم قرار گرفت و نخستین نشانه از لغو آن در استوری اینستاگرام نادره رضایی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیده شد: «به رغم دو ماه تلاش کوچی بن بست شد.» این تک‌مله‌ای بود که خبر لغو فستیوال کوچی را به سر خط خبرهای فرهنگی هنری تبدیل کرد و با بیانیه رسمی برگزارکنندگان این فستیوال در صفحه اینستاگرام شان تکمیل شد؛ بیانیه‌ای درآو بر با عنوان «ما با ختیم» که بارها و بارها باز نشر شد. پس از آن البته محسن شریفیان، نوازنده این آنبان و موسس گروه موسیقی لیان و از پایه‌گذاران فستیوال کوچی با انتشار ویدئویی در صفحه اینستاگرامش از این گفت که تمام تلاش‌شان را برای برگزاری دوره چهارم انجام دادند اما به نتیجه نرسیدند. او همچنین با بیان این که «کوچه نیازی به مجوز شما ندارد» اشاره کرد، کوچی تعطیل شدنی نیست.

تلاش‌های دولت و ابهامی که پابرجاست

خبر لغو چهارمین دوره فستیوال کوچی سرآغاز تلاش‌های گسترده‌ای شد که حتی نام مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم را نیز به میان آورد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نادره رضایی معاون هنری او، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت و علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور چهره‌های دولتی بودند که برای بازگرداندن کوچی به مدار سابق تلاش کردند. ضمن این که کسانی چون علی شریفی‌زاد چچی استاد دانشگاه صنعتی شریف، حسین سلح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران، مینو خالقی فعال سیاسی، علی مجتهدزاده حقوق‌دان و... نیز از جمله چهره‌هایی بودند که در شبکه‌های اجتماعی به این موضوع واکنش نشان دادند. فارغ از تعجب بر انگیز بودن این که چرا برگزاری یک فستیوال موسیقی باید چنان موجب دلپایسی عده‌ای شود که به ناچار پای عالی‌ترین مقام‌های دولتی را به میان بکشد تلاش‌های صورت گرفته علی‌الظاهر نتیجه‌بخش بود. این نتیجه را اینکام حسینی پور، مدیر روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حساب کاربری اش در شبکه ایکس اعلام کرد و نوشت: «... با همراهی اهالی موسیقی، مدیران استان بوشهر و همه مردم، فستیوال کوچی برگزار می شود.» حسینی پور اگر چه خبر از برگزاری چهارمین دوره فستیوال کوچی داد اما همچنان اماواگرهایی در میان است. اماواگرهایی برآمده از آن چه محمدحسین زندوبان، سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر می گوید. او در گفت وگو با هم‌میهن گفت: «ما با توجه به درخواست مطرح شده از سوی برگزارکنندگان، شرایط موجود و بستری که باید برای برگزاری این رویداد به نحوی شایسته فراهم می شد، به این موضوع رسیدگی کردیم. آخرین درخواست مطرح شده از سوی برگزارکنندگان که به عنوان مرجع مدنظر قرار می گیرد، برگزاری فستیوال کوچی در تالار لیان بود که ما به آن رسیدگی و مجوز مورد نیاز را صادر کردیم.» او در جواب این که با این حساب می توان گفت، تنها درخواست مطرح شده از سوی برگزارکنندگان فستیوال کوچی در اختیار داشتن تالار لیان بوده و درخواستی برای حضور در بافت تاریخی بوشهر هم چون دوره پیشین نداشته است، پاسخ مثبت داد. این اظهارنظر را اما در موقعیتی که امکان دسترسی به هیچ کدام از برگزارکنندگان فستیوال کوچی فراهم نشد، نه می توان تأیید کرد، نه تکذیب و بر مبنای آن نمی توان اطمینان حاصل کرد که آیا فستیوال کوچی هم چون دوره‌های پیشین خود، در پناه هم نشستن به پنهان غم از دل به در کردن خواهد بود یا رویدادی محدود به یک تالار دولتی؟

یادداشت رسانه

بازی با اطلاعات برای فشار و باج‌گیری

سهند عمومی
کارشناس ارتباطات

ملات و ابزار کار هر باج‌نیوز، داده‌ها و اطلاعات است. آنها بر پایه داده‌ها و اطلاعات فعالیت می کنند. ابتدا به اطلاعات دسترسی پیدا می کنند. سپس با درز کنترل شده این اطلاعات، اهداف خود را پیاده می کنند. به عبارت دیگر، زیربنای اصلی این شبهه‌رسانه‌ها، اطلاعاتی است که با از قبل در دسترس عموم بوده اما کمتر مورد توجه قرار گرفته، یا به روش‌های غیرقانونی و غیراخلاقی به دست آمده است. بنابراین لازم است تا به نقش و اهمیت داده‌ها و اطلاعات و نحوه دستیابی افراد به این داده‌ها را بررسی کنیم. به طور کلی می توان روش‌های کسب اطلاعات توسط این رسانه‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

استفاده از اطلاعات علنی اما کمتر دیده شده

۱ برخی داده‌ها در دسترس عموم هستند اما به دلیل کمبود توجه یا ضعف در تحلیل، چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. باج‌نیوزها این داده‌ها را جمع‌آوری، دسته‌بندی و با پرداختن به زوایای خاصی از آن‌ها، علیه افراد و سازمان‌ها استفاده می کنند. مثال: در گزارش‌های مالی یک شرکت، افزایش ناگهانی هزینه‌های مشاوره ثبت شده است. این اطلاعات در دسترس عموم قرار دارد اما کمتر کسی به آن دقت کرده است. باج‌نیوزها با استخراج این داده و افزودن تفسیرهای جهت‌دار (مثلاً «مدیرعامل شرکت X از بودجه برای مشاوران صوری استفاده کرده است») سعی می کنند فشار رسانه‌ای ایجاد کرده و در ازای توقف این حمله، از شرکت در خواست باج کنند. در مواردی حتی گزارش جلسات و با فعالیت‌های شرکت که در رسانه‌های داخلی روابط عمومی منتشر می شود، منبع اطلاعاتی و خوراک خوبی برای باج‌نیوزها وجود دارد.

دستیابی به اطلاعات پنهان و محرمانه

۲ در این روش، داده‌هایی که عمومی نیستند، از راه‌های مختلف به دست می آیند. این مسیرها شامل روش‌های زیر است: افشاجری داخلی (کارمندان اطلاعات را الو می دهند): در برخی موارد، کارمندان یا اعضای داخلی یک سازمان، به دلیل ناراضیاتی، اختلافات شخصی یا دریافت پول از باج‌نیوزها، اطلاعات حساس را افشای می کنند. مثال: کارمند یک شرکت فناوری، به دلیل نارضایتی از مدیریت، اطلاعاتی درباره یک قرارداد محرمانه را به یک رسانه زرد می فروشد. رسانه مذکور، این اطلاعات را با آب‌نوبت منتشر کرده و مدیریت شرکت را تحت فشار قرار می دهد تا امتیازی دریافت کند. هک و سرقت داده‌ها (مانند باج‌افزارهای اینترنتی): برخی از باج‌نیوزها با همکاری هکرها، ایمیل‌ها، اسناد داخلی یا اطلاعات خصوصی افراد و شرکت‌ها را سرقت می کنند. سپس این داده‌ها را به عنوان ابزار تهدید استفاده کرده و در ازای عدم انتشار، درخواست پول یا امتیازی می کنند. گروهی از هکرها با ایمیل‌های یک سازمان دولتی دسترسی پیدا کرده و اطلاعاتی درباره قراردادهای غیرشفاف آن را سرقت می کنند. سپس این اطلاعات در رسانه‌های خاصی منتشر می شود که مشخص می شود برخی از آن‌ها برای عدم انتشار اسناد بیشتر، از سازمان مربوطه درخواست پول کرده بودند. فیش‌های حقوقی یکی از بهترین منابع در این زمینه است. دستیابی به این فیش‌ها در اکثر سیستم‌هایی که به نوعی رانتی اداره می شوند، یک منبع بسیار خوب برای باج‌نیوزها به شمار می رود. جاسوسی صنعتی (رقبای اطلاعات را فاش می کنند): گاهی شرکت‌ها یا گروه‌های رقیب، برای ضربه زدن به یکدیگر، اطلاعات داخلی را در اختیار رسانه‌ها قرار می دهند. این اطلاعات، اغلب شامل اسناد مالی، قراردادهای برنامه‌های آینده یک سازمان است. مثال: یک شرکت خودروسازی، اطلاعات قرارداد یکی از تأمین‌کنندگان قطعات رقیب را که به صورت خصوصی با یک تأمین‌کننده جدید مذاکره کرده بود، به رسانه‌ها درز می دهد. این افشاجری باعث می شود سهام شرکت رقیب سقوط کند و مشتریان آن نگران شوند. باج‌نیوزها با سوءاستفاده از داده‌ها، بازی رسانه‌ای خطرناکی راه می اندازند که نه تنها وجهه افراد و سازمان‌ها را تخریب می کند، بلکه اعتماد عمومی به رسانه‌ها را نیز از بین می برد. مقابله با این پدیده، نیازمند شفافیت بیشتر از سوی شرکت‌ها، دقت در حفظ اطلاعات محرمانه و هوشیاری رسانه‌های مستقل در برابر بازی‌های رسانه‌ای آلوده است.

تاریخ

پیمان امنیت مشترک ایران، ترکیه و افغانستان

۲۲ آوریل ۱۹۲۶ (دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵ خورشیدی) نمایندگان سه کشور ایران، ترکیه و افغانستان در منزل محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر وقت ایران، پیمان امنیت مشترکی را با هدف تقویت روابط دوستانه و همکاری‌های امنیتی میان این کشورها به امضاء رساندند. انگیزه اصلی برای امضای این پیمان، نگرانی از گسترش نفوذ ایدئولوژی کمونیسم تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی در منطقه بود. این پیمان به عنوان گامی مهم در تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد توازن قدرت در برابر تهدیدات خارجی تلقی می شد و برای انعقاد پیمان‌های بعدی مانند پیمان سعدآباد در سال ۱۳۱۶ زمینه‌سازی کرد.